

دکتر محمدامین عارف‌زاده
مدرس دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

مدل تطبیق‌سازی نخست شهر و شاخص چهار شهر در تقسیمات استان خراسان

چکیده:

مسأله‌ی گستردگی و شرایط ژئوپلیتیکی، تقسیم استان خراسان را در سال‌های اخیر به شدت موردتوجه قرار داده بود؛ به طوری که بر اساس آخرین تقسیماتی که در مهر ماه ۱۳۸۳ بر مبنای تصمیم وزارت کشور و مصوب مجلس صورت گرفت، خراسان بزرگ به سه استان خراسان شمالی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی تقسیم گردید. به همین دلیل در این مجال، نگاهی بسیار گذرا به تاریخچه‌ی آن و تحلیلی بر تقسیمات سیاسی و اداری، ویژگی‌های جمعیتی شهرها در خراسان بزرگ و استان‌های جدید به همراه الگوهای نظام شهری با تحلیل کمی در قالب الگوی نخست شهری و شاخص چهار شهر صورت گرفته است. همچنین آثار و پیامدهای نخست شهرهای جدید و وضعیت مراکز استان‌های جدید و نخست شهرهای مسلط مطالعه و نتیجه‌گیری شده است.

واژه‌های کلیدی:

استان، تقسیم سیاسی استان، الگوی نظام شهری، نخست شهر، شاخص چهار شهر

نوع برتری

درآمد

یکی از مهم‌ترین مسائل رایج در حکومت‌ها و نحوه‌ی اداره کشورهای جهان به شکل مطلوب چگونگی تقسیم وسعت هر کشور به واحدهای کوچک‌تری است. در کشور ما چه در گذشته‌ی دور قبل از اسلام و چه بعد از آن تقسیمات کشوری از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است و دولت‌های این مرز و بوم بنا به بینش پادشاهان و دولتمردان و قدرت اداره حکومت‌هایشان به تقسیم‌بندی خاصی دست می‌یازیده‌اند که نگاهی به تاریخ این دیار این ادعا را ثابت می‌کند. مقاله‌ی حاضر بر آن است تا با نگاهی اجمالی به جایگاه استان خراسان، روند تاریخی آن را از گذشته تا به حال در قالب تقسیمات کشوری مطالعه و بررسی کند و تبعات آن را از دیدگاه تعداد شهرها و الگوهای شهری در وضعیت کنونی مورد توجه قرار دهد.

نگاهی گذرا به تاریخچه‌ی خراسان بزرگ

دانشمندان بر اساس تحقیقات باستان‌شناسی، احتمال داده‌اند که نقطه‌ی سکونت در خراسان به دوره‌ی عصر حجر مربوط باشد و می‌نویسند که این سرزمین از دیرباز محل سکونت انسان‌های اولیه بوده است. در طی هزاره‌ی دوم قبل از میلاد با ظهور عناصر هند و اروپائی در میان بومیان ایرانی و مهاجرت‌های آنان در داخل سرزمین ایران قدیم، بخش عمده‌ای از قبایل تشکیل‌دهنده‌ی شعبه‌ی شرقی جنبش هند و اروپائی به تدریج به طرف مشرق پیش رفته و پس از جیحون در حوالی رود کابل ساکن شده‌اند (گیرشمن / ۱۳۷۲ / ص ۵۲). در اوج قدرت هخامنشیان امپراتوری گسترده‌ی ایران، تعداد ساتراپ‌های کشور به ۲۰ واحد می‌رسید. بعد از سقوط هخامنشیان، ایران به تصرف اسکندر درآمد و جانشینان وی حکومت سلوکیان را به وجود آوردند و پس از مرگ وی دولت سلوکی توسط پارتیان از بین رفت و سرزمین پارت به استقلال رسید.

در دوره‌ی پادشاهی ساسانیان، خراسان باستانی یا ساتراپ پارت به شکل یکی از استان‌های مهم درآمد و اداره‌ی آن بر عهده حکمرانی بوده که به او «اسپهبد» می‌گفتند. پس از آن که مسلمانان در عهد خلیفه‌ی دوم به فتح ایران پرداختند، نواحی

دورافتاده‌ی ایران از جمله خراسان تا شروع نخستین دوران حکومت امویان به تصرف مسلمانان درنیامد. با به قدرت رسیدن بنی‌عباس توسط ابومسلم و با قتل او سیاست عباسیان مورد اعتراض مردم قرار گرفت و مرکز قیام‌های سیاسی و نظامی در شرق سرزمین‌های اسلامی گردید (قصایان / ۱۳۷۷ / ص ۶). خطر خراسان تا به آن حد افزایش یافت که در سال ۱۹۳ هـ ق که هارون الرشید برای سرکوبی شورش رافع بن لیث به خراسان و توس عزیمت کرد و در قصری واقع در سناباد مستقر گردید. چون پس از چند روز در اثر بیماری درگذشت، در سرای همین کاخ دفن گردید.

سرزمین پهناور خراسان بزرگ از دیرباز تاکنون شهرهای بزرگ و تاریخی بی‌شماری را در درون خود داشته است که اگرچه بعضی از آنها در جنگ و جدل تجزیه و از تقسیمات سیاسی ایران دور افتاده‌اند، ولی همه‌ی آنها با گذشته‌ی پر افتخار و تابناک خود همواره با این گستره جغرافیایی پیوند و ارتباط داشته‌اند و مرزهای سیاسی نتوانسته در این راستا مانعی را به وجود آورد. از جمله‌ی این شهرها که اکنون پیوند اداری و سیاسی با ایران را ندارند، می‌توان به هرات، مرو، بلخ و نساء اشاره داشت. همچنین از ولایات و شهرهای موجود و قدیمی آن می‌توان به شهرهایی چون نیشابور، مشهد، سبزوار (بیهق)، تابران یا توس، سرخس، درگز، بجنورد و... نام به میان آورد که در تاریخ از نام و آوازه‌ای برخوردار بوده‌اند. به طور مثال در تاریخ در مورد شهر طابران آمده که بی‌شک قدرت آن به قبل از اسلام و حتی به قبل از تاریخ می‌رسد و شهری قدیمی است (موسوی / ۱۳۷۰ / صص ۲۸-۲۰). یا درباره‌ی نوغان که از توابع ولایت توس بوده چنین آمده که نوغان (با فتح نون و سکون واو) یکی از دو شهر توس است که گروه بسیاری از دانشمندان از آن جا برخاسته‌اند (حموی / ۱۳۶۲ / ص ۱۸۰). یا شهر مشهد به عنوان نمونه ای بعد از اسلام است که بعد از به شهادت رسیدن امام رضا(ع) در روز جمعه ۲۱ رمضان سال ۲۰۳ هـ ق پیکر آن حضرت در توس در دهستان سناباد از دهات نوغان در خانه‌ی حمیدبن قحطبه‌طایی در آرامگاه هارون الرشید دفن شد (ابن‌بابویه / ۱۳۶۲ / ص ۱۲) و سناباد که تا این زمان دهکده‌ای بیش نبود، از این زمان به بعد به علت وجود مرقد مطهر امام رضا(ع) شهرت یافت و رو به آبادانی گذاشت.

به هر حال تا سده‌ی نهم هـ ق مشهد الرضا(ع) به عنوان تنها زیارتگاه مهم و مقدس در کنار شهر نوغان بوده است تا این‌که از این زمان به بعد قطعاً جای نوغان را گرفته

است (سیدی / ۱۳۷۸ / ص ۱۹). بعد این رویداد مذهبی و به تبع آن نقش‌های دیگری را برای مشهد و خراسان به دنبال آورد.

روند تقسیمات سیاسی و اداری خراسان

نگاهی به تاریخ ایران قبل از اسلام نشان می‌دهد که این کشور به خصوص در زمان هخامنشیان بیشترین وسعت سرزمینی را تاکنون داشته و به صورت ساتراپ اداره می‌شده است. بعد از اسلام واحد ایالت جای «ساتراپ» را گرفت و جدا از بعضی تحولات و تغییرات تا سال ۱۳۱۶ خورشیدی اولین تقسیمات کشوری برجای ماند. در این دوره‌ی به نسبت طولانی، کشور به ترتیب به ایالت، ولایت و بلوک تقسیم می‌شد. البته نخستین اشاره‌ی قانونی به تقسیمات کشوری مصوبه سال ۱۲۸۵ خورشیدی است که در اصل سوم متمم قانون اساسی آمده است که حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییرپذیر نیست، مگر به موجب قانون (دفتراموراجتماعی و انتخابات استانداری/۱۳۸۳/ص ۲) جالب است که ولایت شاهرود و ولایت سمنان و دامغان جزو خراسان بزرگ بوده‌اند. ایالت را حاکم، ولایت را والی و بلوک را نایب‌الحکومه اداره می‌کرد (وزارت آموزش و پرورش / ۱۳۷۲ / ص ۸۱). اولین تقسیمات کشوری جدید ایران در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی صورت گرفت و در این تقسیمات، ایران به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم شد.

بر اساس تقسیمات سال ۱۳۱۶ شهرستان‌های مصوب خراسان عبارت بودند از: مشهد، بجنورد، سبزوار، تربت‌حیدریه، گناباد و بیرجند. از این تاریخ به بعد شهرستان‌های مصوب دیگر را در جدول شماره (۱) می‌توان مشاهده کرد. بدین ترتیب بعد از نخستین تقسیمات قانونی از شهرستان مشهد ۶ شهرستان، بجنورد ۳ شهرستان، قوچان ۳ شهرستان، تربت حیدریه ۳ شهرستان، گناباد ۱ شهرستان، بیرجند ۳ شهرستان، کاشمر ۲ شهرستان و تربت‌جام یک شهرستان منتزع شده‌اند. (جدول شماره ۱) (تقسیمات کشوری استانداری خراسان رضوی).

در نهایت بعد از این تحولات استان خراسان طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ با مساحتی حدود ۳۱۵۶۸۶ کیلومتر مربع در حدود $\frac{1}{5}$ از کل

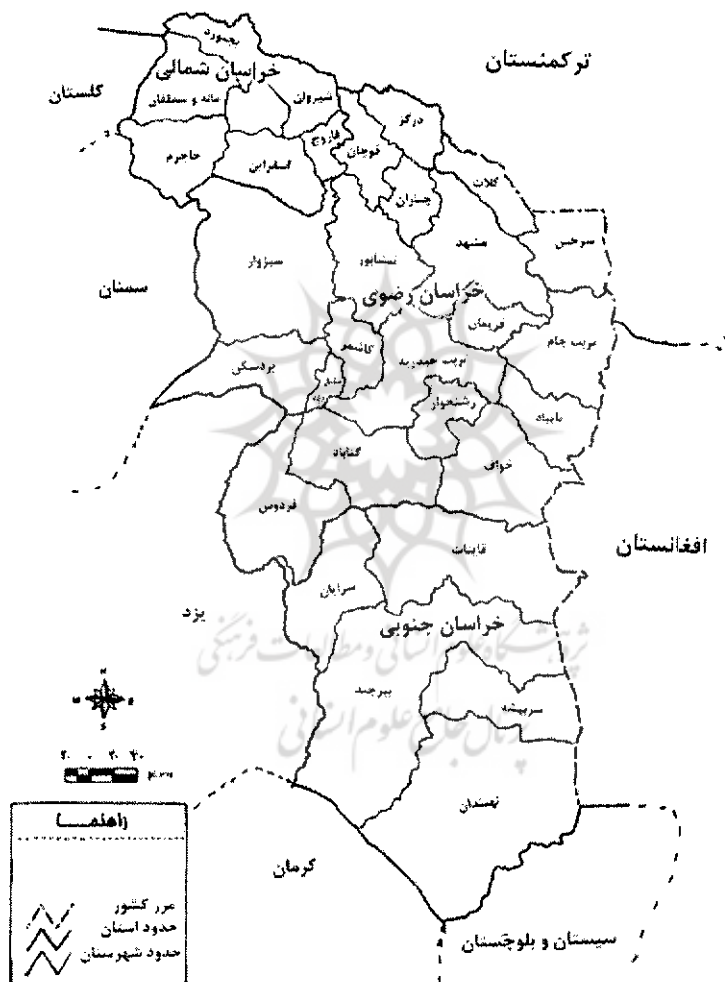
مساحت کشور و جمعیتی در حدود ۶۰۴۷۶۶۱ نفر $\frac{1}{10}$ جمعیت کل کشور را دارا بوده است. در سال ۱۳۸۰ شهرستان طبس با جمعیتی حدود ۵۹۶۳۲ نفر از خراسان جدا گردید و به استان یزد ملحق شد. بدین ترتیب جمعیت خراسان به ۵۹۸۸۰۲۹ نفر کاهش یافت؛ به همین لحاظ در این بررسی به شهرستان طبس پرداخته نشده است. (جدول شماره ۲)

بر اساس آخرین تقسیماتی که در مهر ماه ۱۳۸۳ بر مبنای تصمیم وزارت کشور و مصوب مجلس صورت گرفت، خراسان بزرگ به سه استان خراسان شمالی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی تقسیم گردید و در آن خراسان شمالی ۶ شهرستان، خراسان رضوی ۱۹ شهرستان و خراسان جنوبی به ۴ شهرستان و یک بخش مستقل جدا شده از فردوس به نام سرایان شد. به نقشه شماره ۱ و جدول‌های شماره ۳، ۴ و ۵ که مشخصات شهرستان‌ها و استان‌های جدید خراسان شمالی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی درج شده است، مراجعه شود.

در حال حاضر پس از تقسیم خراسان بزرگ به سه استان، سهم خراسان شمالی از وسعت ۱۱/۷۹ درصد و جمعیت ۱۲/۲۳ درصد و خراسان رضوی از وسعت حدود ۵۳/۴۹ درصد و جمعیت حدود ۷۹/۴۵ درصد و خراسان جنوبی از وسعت حدود ۳۴/۷ درصد و جمعیت حدود ۸/۳ درصد است.

مشاهده می‌شود که خراسان رضوی از لحاظ وسعت و به خصوص از لحاظ جمعیت بزرگ‌ترین استان منتزع شده از خراسان بزرگ است (حدود ۵۳/۴۹ درصد) همچنین حدود ۲۰/۵۳ درصد از جمعیت خراسان بزرگ قالب دو استان خراسان شمالی و جنوبی قرار گرفته‌اند.

نقشه شماره ۱- تقسیمات جدید خراسان - خراسان رضوی، خراسان شمالی و خراسان جنوبی



منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان رضوی

جدول شماره (۱)- تاریخ شهرستان‌های خراسان بزرگ و تابعیت قبلی و فعلی آنها

ردیف	نام شهرستان	سال تاسیس	انتزاع شده از شهرستان قبلی	تابعیت استان فعلی
۱	اسفراین	۱۳۳۹	بجنورد	خراسان شمالی
۲	بجنورد	۱۳۱۶	---	خراسان شمالی
۳	بردسکن	۱۳۷۴	کاشمر	خراسان رضوی
۴	بیرجند	۱۳۱۶	---	خراسان جنوبی
۵	تایباد	۱۳۵۴	ترت جام	خراسان رضوی
۶	ترت جام	۱۳۳۶	مشهد	خراسان رضوی
۷	ترت حیدریه	۱۳۱۶	---	خراسان رضوی
۸	جاجرم	۱۳۷۶	بجنورد	خراسان شمالی
۹	چناران	۱۳۶۸	مشهد	خراسان رضوی
۱۰	خلیل‌آباد	۱۳۸۲	کاشمر	خراسان رضوی
۱۱	خواف	۱۳۶۸	ترت حیدریه	خراسان رضوی
۱۲	درگز	۱۳۲۷	قوچان	خراسان رضوی
۱۳	رشتخوار	۱۳۸۱	ترت حیدریه	خراسان رضوی
۱۴	سبزوار	۱۳۱۶	---	خراسان رضوی
۱۵	سربیشه	۱۳۸۱	بیرجند	خراسان جنوبی
۱۶	سرخرس	۱۳۶۸	مشهد	خراسان رضوی
۱۷	شیروان	۱۳۳۹	قوچان	خراسان شمالی
۱۸	فاروج	۱۳۸۳	قوچان	خراسان شمالی
۱۹	فردوس	۱۳۲۳	گناباد	خراسان رضوی
۲۰	فریمان	۱۳۷۲	مشهد	خراسان رضوی
۲۱	قائنات	۱۳۵۸	بیرجند	خراسان جنوبی
۲۲	قوچان	۱۳۱۶	---	خراسان رضوی
۲۳	کاشمر	۱۳۲۲	ترت حیدریه	خراسان رضوی
۲۴	کلات	۱۳۸۱	مشهد	خراسان رضوی
۲۵	گناباد	۱۳۱۶	---	خراسان رضوی
۲۶	مانه و سملقان	۱۳۷۹	بجنورد	خراسان شمالی
۲۷	مشهد	۱۳۱۶	---	خراسان رضوی
۲۸	نهبندان	۱۳۶۸	بیرجند	خراسان جنوبی
۲۹	نیشابور	۱۳۲۰	مشهد	خراسان رضوی

منبع: تقسیمات سیاسی استانداری خراسان رضوی

جدول شماره (۲) - مشخصات عمومی شهرستان‌ها بر اساس تقسیمات کشوری در پایان

سال ۱۳۸۲

شهرستان	مساحت (Km2)	تعداد بخش	تعداد شهر	تعداد دهستان
کل استان	۲۳۸۷۰/۹۷	۸۸	۸۶	۲۳۵
اسفراین	۵۱۹۲/۰۵	۲	۲	۷
بجنورد	۵۷۹۹/۵۸	۳	۳	۸
بردسکن	۷۱۱۷/۴۰	۲	۲	۴
بیرجند	۲۷۰۵۴/۲۲	۳	۳	۱۵
تایباد	۴۸۲۵/۶۹	۳	۳	۶
ترت جام	۸۱۳۶/۳۰	۵	۳	۱۳
ترت حیدریه	۹۵۷۴/۰۵	۶	۶	۱۳
جاجرم	۵۸۷۹/۱۱	۳	۳	۶
چناران	۳۰۸۰/۰۴	۲	۱	۵
خلیل آباد	۱۱۳۷/۳۷	۲	۱	۴
خواف	۹۷۹۶/۷۹	۴	۴	۸
درگز	۳۷۶۴/۵۹	۴	۴	۷
رشتخوار	۳۵۹۷/۶۱	۲	۱	۴
سیزو	۱۷۷۰۱/۸۸	۷	۷	۲۵
سربیشه	۸۲۲۲/۴۶	۲	۱	۴
سرخس	۵۴۲۷/۴۶	۲	۱	۶
شیروان	۳۷۸۹/۳۵	۲	۲	۸
فردوس	۱۸۹۱۰/۲۷	۳	۶	۹
فریمان	۳۳۵۰/۰۹	۲	۳	۵
قائنات	۱۵۴۴۶/۷۳	۵	۳	۱۳
قوچان	۵۳۸۲/۵۶	۳	۳	۹
کاشمر	۳۳۴۷/۶۹	۲	۲	۵
کلات	۳۵۰۲/۹۶	۲	۱	۴
گناباد	۹۵۸۴/۰۰	۳	۴	۷
مانه و سملقان	۵۹۷۸/۲۱	۳	۳	۶
مشهد	۱۰۳۳۹/۲۸	۴	۵	۱۳
نهبندان	۲۴۴۷۷/۹۹	۲	۲	۵
نیشابور	۸۳۶۷/۲۴	۵	۷	۱۶

منبع: سالنامه آماری استان خراسان سال ۱۳۸۳.

جدول شماره (۳) - مشخصات خراسان رضوی در سال ۱۳۸۳

ردیف	شهرستان	جمعیت سال ۱۳۷۵	مساحت (Km2)	تعداد بخش	تعداد شهر	تعداد دهستان
	کل استان	۴۷۵۷۹۴۴	۱۲۷۷۴۰۶۳/۹۶	۶۴	۱۶۹	۴۱
۱	بردسکن	۶۴۰۶۵	۷۱۱۷/۴	۲	۲	۴
۲	تایباد	۱۲۷۶۷۹	۴۸۲۵/۶۹	۵	۳	۱۳
۳	تربت جام	۲۱۰۳۴۹	۸۱۳۶/۳	۵	۳	۱۳
۴	تربت حیدریه	۲۸۶۲۶۵	۹۵۷۴/۰۵	۶	۶	۱۳
۵	چناران	۱۰۷۲۷۰	۳۰۸۰/۰۴	۲	۱	۵
۶	خلیل آباد	۴۵۸۰۳	۱۱۳۷/۳۷	۲	۱	۴
۷	خواف	۹۲۱۵۸	۹۷۹۶/۷۹	۴	۴	۸
۸	درگز	۷۸۶۱۴	۳۷۶۴/۵۹	۴	۴	۷
۹	رشتخوار	۵۲۹۷۵	۳۵۹۷/۶۱	۲	۱	۴
۱۰	سبزوار	۴۱۹۵۴۳	۱۷۷۰۱/۸۸	۷	۷	۲۵
۱۱	سرخس	۷۳۶۰۴	۵۴۲۶/۴۶	۲	۱	۶
۱۲	فردوس	۳۶۰۱۵	۱۱۲۴۸	۳	۶	۹
۱۳	فریمان	۷۷۵۵۵	۳۳۵۰/۰۹	۲	۳	۵
۱۴	قوچان	۱۸۰۵۶۲	۳۸۵۴/۵۶	۳	۳	۹
۱۵	کاشمر	۱۴۰۹۶۲	۳۳۴۷/۶۹	۲	۲	۵
۱۶	کلات	۵۰۱۳۶	۳۵۰۲/۹۶	۲	۱	۴
۱۷	گناباد	۱۰۳۶۲۵	۹۵۸۴	۳	۴	۷
۱۸	مشهد	۲۱۹۷۸۶۰	۱۰۳۲۹/۲۵	۴	۵	۱۳
۱۹	نیشابور	۴۱۲۹۰۴	۸۳۶۶/۲۴	۵	۷	۱۶

منبع: تقسیمات کشوری، دفتر امور اجتماعی و انتخابات استانداری خراسان رضوی

جدول شماره (۴) - مشخصات خراسان شمالی بر اساس تقسیمات کشوری در سال ۱۳۸۳

ردیف	شهرستان	جمعیت سال ۱۳۷۵	مساحت (Km2)	تعداد بخش	تعداد شهر	تعداد دهستان
۱	کل استان	۷۳۲۶۴۶	۲۸۱۶۵/۸۶	۱۵	۱۴	۴۰
۲	اسفراین	۱۱۸۵۸۱	۵۱۹۲/۰۵	۲	۲	۷
۳	بجنورد	۲۷۹۴۵۳	۵۷۹۹/۵۸	۳	۳	۸
۴	جاجرم و گرمه	۵۵۰۰۱	۵۸۷۹/۱۱	۳	۳	۶
۵	شیروان	۱۴۲۴۳۱	۳۷۸۹/۳۵	۲	۲	۸
۶	فاروج	۵۶۳۱۳	۱۵۲۷/۵۶	۲	۱	۵
۷	مانه و سملقان	۸۰۸۶۷	۵۹۷۸/۲۱	۳	۳	۶

منبع: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان، آمارنامه سال ۱۳۸۲

جدول شماره ۵ - مشخصات خراسان جنوبی بر اساس تقسیمات کشوری در سال ۱۳۸۳

ردیف	شهرستان	جمعیت سال ۱۳۷۵	مساحت (Km2)	تعداد بخش	تعداد شهر	تعداد دهستان
۱	کل استان	۴۹۷۴۳۹	۸۲۸۶۳/۶۷	۱۴	۱۰	۴۱
۲	بیرجند	۲۲۵۴۱۷	۲۷۰۵۴/۲۲	۳	۳	۱۵
۳	سربیشه	۵۱۳۹۶	۸۲۲۲/۴۶	۲	۱	۴
۴	قائبات	۱۲۶۹۵۱	۱۵۴۴۶/۷۳	۵	۳	۱۳
۵	نهبندان	۴۳۰۶۵	۲۴۴۷۷/۹۹	۲	۲	۵
۶*	بخش سرایان	۵۰۶۱۰	۷۶۶۲/۲۷	۲	۱	۴

* بخش مستقل سرایان از فردوس جدا شده است.

منبع: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان، آمارنامه سال ۱۳۸۲

ویژگی‌های جمعیتی شهرهای استان‌های جدید خراسان و الگوهای نظام شهری

در آغاز قرن ۲۱ بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و شهرنشینی با چنان سرعتی به جلو می‌رود که تصور آن در چند دهه پیش غیرقابل پیش‌بینی بود. در کشورهای در حال توسعه رشد جمعیت و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی بر گرد شهرهای بزرگ منجر به مهاجرت گروهی و گسترده به شهرها شده است که حکومت‌ها دیگر قادر به جلوگیری و حتی کند کردن جریان آن نیستند (راندیلی/۱۳۶۴/ص ۸). از طرفی مسأله‌ی ویژگی‌های استنباطی افراد به مجموع داده‌های یک جمعیت بر می‌گردد. از زمانی که چنین داده‌ای در کار جغرافی‌دانان به تکرار مورد استفاده قرار گرفته، ارجاع به جمعیت‌های نواحی مشخص و معین، مسأله‌ی خطیری است که غالباً برای تحلیل‌های جغرافیایی به کار رفته است.^۱

افزایش جمعیت شهرها در کشورهای در حال توسعه و پیدایش مادر شهرها در اثر مهاجرت و میزان باروری خانواده‌های مهاجر و سکنه‌ای که جذب مناطق تازه گسترش یافته شهرها می‌شوند، تعادل جمعیت هر کشوری را به هم می‌زند. همچنین تحت تأثیر عوامل گوناگون افزایش جمعیت، محدوده شهرها به طرز غیرقابل مهارت گسترش می‌یابد و مناطق کشاورزی اطراف را که تأمین‌کننده مواد غذایی شهر است، فرو می‌بلعد (امانی / ۱۳۷۱ / ص ۳۵). با افزایش جمعیت شهرها و پیدایش شهرهای بزرگ شامل شهر بزرگ یا پایتخت بوده است که در پی آن تحولات اقتصادی و دخالت آن موجب پیدایش قطب‌های بزرگ صنعتی و شبکه‌ای از شهرهای بزرگ گردیده و بدین ترتیب نظم فضایی خاصی را در قالب نظام سلسله مراتبی و الگوهای نظام شهری (system urban) را در سطح ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی به وجود آورده است. نظام شهری عبارت از مجموعه‌ای از شهرهای وابسته به یکدیگر است که ساختار نظام سکونتگاهی شهری در یک ناحیه، منطقه و سرزمین و جهان را پدید می‌آورند (عظیمی / ۱۳۸۱ / ص ۵۳).

ورود به مقوله‌ی روابط سیستماتیک و در این میان نقش و اهمیت شهرها، تحقیق در مقایسه‌ی آنها را امری مهم و ضروری نشان می‌دهد که در حالتی منطقی به یک طبقه‌بندی منجر می‌گردد. این طبقه‌بندی می‌تواند بر مبنای نقش آنها با مشخص کردن

¹ Derek Gregory And .The Dictionary Of Human Geography Edited By R.J.Johnston , David M.Smith Blackwell. Great Britaain Third Edition 1994 (First Pub 1981) Paye 145

بعضی از شهرها بر مبنای سطوحی از ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی و خدمات عمومی استوار باشد. به عبارت دیگر سلسله مراتب شهری، از جهات مختلف بهترین شکل سازماندهی فضا توزیع کالاها و خدمات به تمام جامعه، انتقال تکنولوژی‌های جدید و ابداعات به سراسر جامعه و وجود روش‌های مختلف زندگی در محیط‌های گوناگون است.

به این صورت شبکه شهری که به تبع شرایط جغرافیایی با نظم خاصی شکل گرفته‌اند؛ می‌تواند از نظر کمی (تعداد جمعیت) و یا از نظر کیفی (اهمیت و نقش آنها) طبقه‌بندی شده و در نظمی از یک پایه و ارتفاع در ردیف یا مرتبه‌ای پشت سر هم قرار گیرند که اصطلاحاً به نام «سلسله مراتب شهری» نامیده می‌شود (عابدین در کرش / ۱۳۸۱ / ص ۸۶). در شکل‌گیری و تخصص‌یابی سلسله مراتب شهری، میزان جمعیت عامل اصلی به شمار می‌رود و تراکم جمعیت در بالاترین سلسله مراتب، زمینه‌های مساعدی را برای کارکردهای تخصصی مراکز بزرگ‌تر ایجاد می‌کند (شکویی / ۱۳۷۳ / ص ۳۸۱).

به طور کلی ویژگی‌های اساسی نظام شهری در ایران، توسعه شهرهای بزرگ و تراکم جمعیت در آنها مشخصه اصلی نظام شهری کشور است. به گونه‌ای که در کشور، شهر تهران خارج از ترتیب منظم شهری ایران به عنوان شهر برتر یا شهر نخستین تفوق و برتری خود را در زمینه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی حفظ کرده است (نظریان / ۱۳۷۷ / ص ۱۵۶). این موضوع در بسیاری از مراکز استان‌های کشور از جمله مشهد به عنوان نخست شهر خراسان قدیم (قبل از تقسیم) و خراسان رضوی مصداق پیدا می‌کند. باید توجه داشت که این وضعیت یعنی پیدایش شهرهای برتر یا نخست شهر به شکل موجود در میان شهرهای ایران و استان‌ها در چند دهه‌ی پیش (قبل از ۱۳۳۵) وجود نداشته است و نظام شهری کشور طی سال‌های ۱۲۴۷ تا ۱۳۳۵ از همگونی نسبی برخوردار بوده است و تعادل در شبکه و نظام شهری وجود داشته است و هیچ شهری بر دیگری برتری نداشته است. این در قالب الگوهای نظام شهری قابل تعمیم است.

دوره‌ی شبکه شهری کهکشانی است؛ یعنی هر شهر مسؤول خدمات رسانی و برقراری ارتباط با روستاهای تحت نفوذ خویش بوده و توسعه‌ی درون‌زا و پایدار شهری نیز وجود داشته است. از سال ۱۳۳۵ به تدریج با افزایش شهرنشینی تعداد شهرهای

بالای ۱۰۰ هزار نفر شامل نه شهر تهران، تبریز، اصفهان، مشهد، آبادان، شیراز، کرمانشاه، اهواز و رشت بوده است (زبیری / ۱۳۷۸ / ص ۷۸).

اما در میان الگوهای نظام شهری در این مجال تنها به مدل نخست شهری و شاخص چهار شهر پرداخته می‌شود و از الگوهای دیگر چون: رتبه، اندازه نقطه جدایی، الگوی مکان مرکزی، مدل جاذبه، مدل مرکز پیرامون و... صرف نظر می‌شود. اگرچه نقطه‌ی جدایی و الگوی رتبه - اندازه در مورد شهرهای خراسان بزرگ (قبل از تقسیم ۱۳۸۳) در سال ۱۳۷۱ به دست آورده شده است (حاتمی‌نژاد / ۱۳۷۳ / صص ۶۸ تا ۸۰).

نخست شهری و شاخص چهار شهر

نخست شهر در نظام شهری، شهری است که بیشترین جمعیت را به خود اختصاص می‌دهد. قابل ذکر است که شاخص «نخست شهری» را به دو صورت می‌توان بدست آورد. روش نخست از تقسیم جمعیت بزرگ‌ترین شهر به کل جمعیت کشور یا استان به دست می‌آید و در روش دوم از تقسیم جمعیت بزرگ‌ترین شهر به دومین شهر نظام شهری موردنظر (در نظام شهری یا استان) حاصل می‌گردد^۱. در سال ۱۹۳۹ یک جغرافی‌دان امریکایی به نام «مارک جفرسون» (Mark Jefferson) در کتابی تحت عنوان «قانون نخست شهری» (The law of primate city) این ایده را که در بعضی نظام‌های شهری، شهرهای نخست به شکل بی‌قواره‌ای بزرگ می‌شوند؛ طرح کرد. وی معتقد بود که نخست شهری موقعی به وجود می‌آید که بزرگ‌ترین شهر در یک نظام

شهری چند برابر شهر دوم باشد. $\frac{P_1}{P_2}$ جمعیت نخست شهر و P_2 جمعیت دومین

شهر در نظام شهری) بعدها «کلارک» دانشمند دیگری به جای دو شهر، چهار شهر اول نظام شهری را برای محاسبه انتخاب کرد و در آن نسبت شهر نخست به سه شهر بعدی

نظام شهری مجموعاً چهار شهر بکار گرفته شد. $\frac{P_1}{P_2 + P_3 + P_4}$

^۱. Bahar. MertinsG. Urbanization In Latin America, Applied Geography And Development No, 42, 1993, P, 94.

اما «مهتا» (Mehta) در سال ۱۹۶۴ با اصلاح فرمول کلارک، بهترین روش برای تشخیص نخست شهری را نسبت اندازه جمعیت شهر نخست را به چهار شهر اول نظام

$$\text{شهری به صورت } \frac{P_1}{P_1 + P_2 + P_3 + P_4} \text{ پیشنهاد کرد (عظیمی/۱۳۸۱/ص ۶۷).}$$

در این فرمول P با همان مفهوم در فرمول‌های قبلی جمعیت شهر اول تا چهارم است.

سرانجام «ریچاردسون» شاخص چهار شهر را با معیارهای قانون رتبه - اندازه تطبیق داد. بدین صورت که اگر بر اساس این قانون اندازه‌ی مطلوب شهرها در نظام شهری چنین باشد که شهر اول دو برابر شهر دوم، سه برابر شهر سوم، چهار برابر شهر چهارم باشد، نسبت شهر اول به مجموعه چهار شهر نخست نظام شهری باید برابر با $0/48$ باشد

$$\text{یعنی } \frac{1}{1 + 0/5 + 0/33 + 0/25} = 0/48, \text{ این توزیع در حقیقت بهترین و عادی}$$

ترین شکل برتری خواهد بود و درجه تسلط و برتری شهر اول در نظام شهری بر اساس جدول (شماره ۶) ارائه می‌گردد که دامنه تسلط و برتری مطلوب شهر نخست بین شاخص $0/41$ تا $0/54$ فرض گردیده است.

جدول شماره (۶) - درجه نخست شهری در نظام شهری بر پایه شاخص چهار شهر

شاخص چهار شهر	نوع برتری
۰/۶۵ تا ۱	فوق برتری
۰/۶۵ تا ۰/۵۴	برتری زیاد
۰/۵۴ تا ۰/۴۱	برتری مطلوب
کمتر از ۰/۴۱	حداقل برتری

بر همین مبنا درجه نخست شهری شهر مشهد در خراسان بزرگ (قبل از تقسیم) بر مبنای شاخص چهار شهر (مشهد، سبزوار، نیشابور و بجنورد) طبق جدول (شماره ۷) نوع برتری شهری، فوق برتری یعنی $0/80$ است. این در حالی است که در خراسان بعد از تقسیم، خراسان شمالی درجه نخست شهری بجنورد با شهرهای شیروان، اسفراین و جاجرم و گرمه دارای برتری مطلوب یعنی $0/5$ و در خراسان رضوی درجه نخست

شهری مشهد با شهرهای سبزوار، نیشابور و تربت‌حیدریه فوق برتری ۰/۸۱ جدول (شماره ۸) و در نهایت خراسان جنوبی شاخص مزبور در چهار شهر بیرجند، قائن، نهبندان و سرایان نیز فوق برتری ۰/۷۴ نشان داده شده است. (جدول شماره ۹)

بنابراین نخست شهر مشهد چه در خراسان قبل از تقسیم و خراسان رضوی (بعد از تقسیم) وضعیت فوق برتری خود را همچنان حفظ کرده است که البته به آن معنی است که این شهر حالت ماکروسفالی (نوعی بیماری است که در آن سر بیمار سریع‌تر از اندام‌های دیگر رشد کرده باشد) خود را حفظ می‌نماید. این شرایط برای خراسان جنوبی نیز صادق است. (نخست شهر بیرجند با شهرهای قائن، نهبندان و بخش سرایان) تنها خراسان شمالی، نخست شهر بجنورد با شهرهای شیروان، اسفراین و جاجرم و گرمه نوع برتری مطلوب را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۷) - درجه نخست شهری در نظام شهری بر پایه شاخص چهار شهر در

خراسان بزرگ (قبل از تقسیم) جمعیت سال ۱۳۷۵

شهر	جمعیت
مشهد	۱۸۸۷۴۰۵
سبزوار	۱۷۰۷۳۸
نیشابور	۱۵۸۸۴۷
بجنورد	۱۳۴۸۳۵

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۷۵ شهرستان‌های خراسان

جدول شماره (۸) - درجه نخست شهری در نظام شهری بر پایه شاخص چهار شهر در

خراسان شمالی (جمعیت سال ۱۳۷۵)

شهر	جمعیت
بجنورد	۱۳۴۸۳۵
شیروان	۷۰۰۲۸
اسفراین	۴۱۰۶۲
جاجرم و گرمه	۱۹۷۰۹

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۷۵ شهرستان‌های خراسان

جدول شماره (۹) - درجه نخست شهری در نظام شهری بر پایه شاخص چهار شهر در خراسان رضوی (جمعیت سال ۱۳۷۵)

شهر	جمعیت
مشهد	۱۸۸۷۴۰۵
سبزوار	۱۷۰۷۳۸
نیشابور	۱۵۸۸۴۷
تربت حیدریه	۹۴۶۴۷

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۷۵ شهرستان‌های خراسان

جدول شماره (۱۰) - درجه نخست شهری در نظام شهری بر پایه شاخص چهار شهر در خراسان جنوبی (جمعیت سال ۱۳۷۵)

شهر	جمعیت
بیرجند	۱۲۷۶۰۸
قائن	۲۵۱۷۰
نهبندان	۹۶۸۳
سرایان	۹۴۹۶

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۷۵ شهرستان‌های خراسان

نتیجه‌گیری

تقسیم خراسان چندین سال بود که از سوی موافقین و مخالفین مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته بود. گروهی بر پایداری و عدم تقسیم خراسان بزرگ، ابرام و اصرار داشتند و در مقابل آنها، طرفداران تقسیم استان به چندین استان دلایل و شواهدی را طرح و ارائه می‌دادند. این کار در نهایت امر بر وفق مراد گروه اخیر به انجام رسید.

در این جهت گزینه‌های متفاوتی از سوی متخصصین و صاحب‌نظران درباره‌ی تعداد استان‌های جدید چون دو استان، سه استان و پنج پیشنهاد گردید که گزینه سه استان مورد موافقت مجلس و وزارت کشور به منصفه ظهور رسید.

آنچه در این مجال مورد بررسی قرار می‌گیرد، پی‌گیری چند نکته به صورت خلاصه درباره سه استان جدید از منظر و دیدگاه جغرافیا به ویژه جغرافیای شهری است که باید به جد مورد توجه همگان به خصوص جغرافی‌دانان، صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران قرار گیرد. در طول تاریخ حاکمان، دولتمردان و دولت‌ها و ملت‌ها همواره به دلیل اداره حاکمیت و نظارت بهتر کشور خود، تقسیم آن را به واحدها و بخش‌های کوچک‌تر بهترین راهکار مناسب می‌دانستند. تقسیمات کشوری در هر سرزمین روند برنامه‌ریزی را برای جغرافی‌دانان در مجموعه‌ی کشور در حالت کلی و برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای در سطح واحدها را به صورت اخص سرعت بخشیده و با مطالعات جغرافیایی در مقیاس کلان و خرد بهره‌برداری بهینه از امکانات و استعدادهای طبیعی و سرزمینی را به همراه نیروی انسانی و استعدادهای فردی و جمعی میسر می‌سازد. هدف از مطالعات جغرافیایی دست یافتن به شناخت پایه‌ای از محیط است که بستر و میدان عمل تمام فعالیت‌های انسانی به شمار می‌آید. شناخت خصوصیات جغرافیایی محیط از لحاظ طبیعی و اقتصادی و اجتماعی آن از یک طرف می‌تواند موجب وسعت بینش و معرف از محیط گشته و از طرف دیگر امکان هرگونه حرکت سنجیده را در محیط از سوی انسان در قالب یک سیستم منظم فراهم سازد (رهنمایی / ۱۳۷۱ / ص ۲). بدیهی است برای دستیابی به این مهم در سایه‌ی تقسیمات کشوری در حالت یک سیستم (استان) و زیرسیستم‌های آن بعدی عمیق و با مفهوم داشته و می‌تواند راهگشای مشکلات موجود و ایجاد توسعه‌ی همه جانبه باشد. اما باید توجه داشت که برای نیل به چنین اهدافی در قالب تقسیمات کشوری چون استان، کار باید دارای نظام و هماهنگی منطقی باشد و پیامدهای آن به عنوان مثال به صورت توزیع عادلانه امکانات مالی و تأسیسات زیربنایی در نظام شهری جدید تجلی یابد و بین نخست شهری در قالب مرکز استان با بقیه شهرهای منظومه شهری ارتباطی قابل توجه و متمرکز بر توزیع درست جمعیت، امکانات، خدمات، بهداشت، آموزش، سرانه‌ی عمرانی و... برقرار باشد. متأسفانه این مهم در مورد نخست شهر مشهد در نظام شهری، چه در تقسیمات قدیم و چه در تقسیمات

جدید، صدق نمی‌کند و این شهر منطقه‌ی نفوذ وسیعی را برای خود ایجاد کرده است. از مفهوم منطقه‌ی نفوذ، نتیجه‌ی اجتناب‌ناپذیری حاصل می‌آید و آن مفهوم فضای قطبی شده است. در واقع بزرگ‌ترین شهرها آنهایی هستند که در مرکز خود بالاترین سطوح از فعالیت‌ها را که خود تنها به ایفای آن مشغول هستند، عرضه می‌دارند؛ خدماتی که صرف رفع نیازهای جمعیت تمامی منطقه نفوذ آنها می‌شود (شبلینگ / ۱۳۷۷ / ص ۸۵). این روند به مثابه مانعی برای رشد و توسعه دیگر شهرهای نظام شهری تلقی گردیده و به زیر سلطه‌ی نخست شهر کشیده می‌شوند. به طوری که واقعیت موجود در سه استان به صورت زیر قابل تأمل و بررسی است.

نخست شهرها (شهرهای مسلط)

استان‌های خراسان رضوی و جنوبی با نظام شهری موجود خود تفاوت پر معنایی چه از حیث جمعیت و چه از لحاظ عدم کفایت خدمات، امکانات و تجهیزات بین آنها (به خصوص شهر مشهد) و شهرهای نظام شهری وجود دارد و خدمات و امکانات موجود با حجم جمعیت متناسب نیست. استمرار این وضعیت نه تنها به ایجاد شکاف بیشتر بین نخست شهر و دیگر شهرها منجر می‌شود، بلکه موجب رشد و توسعه بیشتر مشهد به عنوان دومین شهر از وجه جمعیت و وسعت پس از کلان شهر تهران گردیده است و وسعت‌یابی شهر و افزایش جمعیت آن همچنان ادامه دارد. همچنین تمرکز فعالیت‌ها در بخش خدمات و صنعت با گسترش حوزه‌ی نفوذ با پیرامون امری بدیهی بوده که به توقف یا کاهش رشد و توسعه شهرهای دیگر نظام شهری انجامیده است.

در دهه‌های اخیر رشد و توسعه بی‌رویه شهر مشهد ساختار اکولوژیکی ویژه‌ای را از نظر اختلافات درآمد پایگاه اجتماعی محلات مسکونی، مسکن، بافت شهری، شبکه‌ی گذرگاهی، تغییر تراکم و... را به وجود آورده است. به علاوه آسیب‌شناسی شهری در این رهگذر امری قابل توجه و تأمل و بسیار پر اهمیت است؛ اگرچه تنها در سال‌های اخیر است که عنوان پاتولوژی شهری (آسیب‌شناسی شهری) به سرعت مورد توجه جامعه شهری قرار گرفته است. در این بخش از مطالعات شهری، از اضافه جمعیت، امراض شهری، انواع آلودگی‌ها، بزهکاری‌ها، امراض روانی و ناآرامی‌های شهری سخن به میان می‌آید (شکری / ۱۳۶۵ / ص ۹۵). بحث عدالت اجتماعی در نخست شهرهای مورد نظر به

خصوص مشهد، امروزه به عنوان یکی از عظیم‌ترین دستاوردهای فرهنگ و تمدن و یکی از فراگیرترین پدیده‌های اجتماعی عصر حاضر، مطرح است. نگرستن از وجه عدالت اجتماعی به شهر، شاید یکی از نگرش‌های بسیار نادر و بنیادی محسوب شود. رویارویی و قرار دادن مقوله مساله برانگیز، ضروری و آرمانی عدالت اجتماعی با پدیده شهر که از یک وجه «مکان طبیعی انسان متمدن است»؛ نیاز به برخوردی همه جانبه را با پدیده شهر ایجاب می‌کند. به همین دلیل در پانزده سال اخیر، پیشگامان جغرافیای شهری جدید، ساخت داخلی شهرها را با توجه به عدالت اجتماعی که متأثر از سیاست نظام‌های حکومتی و اوضاع اقتصادی جامعه است؛ به‌طور جدی مطالعه می‌کنند (شکری/۱۳۷۳/ص ۱۲).

در تقسیمات اخیر نظام شهری موجود وضع باید به شکلی باشد تا با رشد دیگر شهرهای نظام شهری استان‌های موجود عدالت اجتماعی نیز در زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی محقق شود. این در حالی است که حتی عدالت اجتماعی نیز در درون خود شهر نیز وجود ندارد؛ به شکلی که هر شهروند نتوانسته است با شرایط مساعدی که برای او باید ایجاد شود، آزادانه انتخابی بهینه داشته باشد. چرا که به قول «آلن گیلبرت» کسی می‌تواند از حق انتخاب‌هایی استفاده کند که محیط شهری برای او فراهم آورده است (۱۳۷۵ / ص ۲۶۵).

در انتخاب معاشین و الگوهای فرهنگی فرد می‌تواند آزادی عمل داشته باشد. به علاوه باید توجه داشت که در عدالت اجتماعی منظور از تعادل اجتماعی و اقتصادی در شهر به این مفهوم است که باید مناطق فقیر تندتر از مناطق توسعه یافته رشد کنند تا سطوح درآمدی متعادل شود و گذشته از تعادل درآمدی، ایجاد برابری در موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی، محیطی و به کارگیری تمام ظرفیت‌ها و بالا بردن کیفیت زندگی نیز به تعادل کمک می‌کند (معصومی اشکوری / ۱۳۶۸ / ص ۱۴).

باید به این نکته توجه خاص داشت که مسائل و مشکلات موجود در نخست شهر مشهد چون تراکم جمعیت، توسعه شهری ناموزون، تغییر کاربری، فقر، حاشیه‌نشینی، تغییر تراکم آلودگی هوا، ترافیک، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در تقسیمات جدید کاهش یابد و با برنامه‌ریزی‌های دقیق با کاهش حوزه نفوذ نخست شهر موجبات رشد و توسعه پایدار دیگر شهرها را در نظام شهری خراسان رضوی فراهم آید.

این روند نیز باید برای نخست شهر بیرجند تسری و تعمیم یابد و اجازه داده نشود که این شهر در سال‌های آینده به مشهدی دیگر تبدیل شده و به عدم تعادل در شبکه شهری این استان منجر گردد و تمامی مسائلی که در بالا در مورد مشهد آمده، دامن این شهر را نیز بگیرد.

از همه مهم‌تر شرایط به نسبت مطلوب نخست شهر بجنورد حفظ و در سایه برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های درست و برقراری عدالت اجتماعی و دیگر مسائل شرایط مطلوب‌تری نیز پیدا کند.

منابع و مآخذ

- ۱- امانی، مهدی، «انفجار شهرها»، مجله پیام یونسکو، تهران، آبان ۱۳۷۱
- ۲- تقسیمات کشوری استانداری خراسان رضوی
- ۳- تقسیمات سیاسی استانداری خراسان رضوی
- ۴- تقسیمات کشوری، دفتر امور اجتماعی و انتخابات استانداری خراسان رضوی
- ۵- حاتمی‌نژاد، حسین، «ارزیابی مدل‌های کمی در شبکه استان خراسان»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل ۳۳، تابستان ۱۳۷۳
- ۶- دفتر امور اجتماعی و انتخابات استانداری خراسان رضوی، تقسیمات کشوری، سال ۱۳۸۳
- ۷- راند نیلی، دنیس، «رشد شهرها و توسعه کشاورزی»، ترجمه رشید اصلانی، ناشر دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای تهران، سال ۱۳۶۴
- ۸- رهنمایی، محمدتقی، «توان‌های محیطی ایران»، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، سال ۱۳۷۱
- ۹- زیادی، کرامت‌ا...، «برنامه‌ریزی شهرهای جدید»، تهران، سمت، چاپ اول، سال ۱۳۷۸
- ۱۰- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان، آمار نامه سال ۱۳۸۲
- ۱۱- شلبینگ، ژاک، «جغرافیا چیست؟» اقتباس دکتر سیروس سهامی، مشهد، انتشارات محقق، چاپ اول، سال ۱۳۷۷
- ۱۲- شکوئی، حسین، «دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری»، تهران، انتشارات سمت، سال ۱۳۷۳
- ۱۳- شکوئی، حسین، «جغرافیای اجتماعی شهرها»، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، سال

- ۱۴- عابدین درکوش، سعید، «درآمدی به اقتصاد شهری»، تهران مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، سال ۱۳۸۱
- ۱۵- عظیمی، ناصر، «پویش شهرنشینی و مبانی نظام شهری»، مشهد، نشر نیکا ۱۳۸۱
- ۱۶- قصابیان، محمدرضا، «تاریخ مشهد»، ناشر انصار، سال ۱۳۷۷
- ۱۷- گیرشمن: «ایران از آغاز تا اسلام»، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی چاپ نهم، سال ۱۳۷۲
- ۱۸- گیلبرت آلن، ژوزف گالگر، «شهرها فقر و توسعه شهرنشینی در جهان سوم»، ترجمه پرویز کریمی، ناشر شهرداری تهران، سال ۱۳۷۵
- ۱۹- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان‌های خراسان، سال ۱۳۷۵
- ۲۰- معصومی اشکوری، حسین، «اصول و برنامه‌ریزی منطقه‌ای»، چاپ توکل، سال ۱۳۶۸
- ۲۱- موسوی، سید محمد، «توس شهر خفته»، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، سال ۱۳۷۰
- ۲۲- نظریان، اصغر، «جغرافیای شهری ایران»، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم، سال ۱۳۷۷
- ۲۳- نظریان، اصغر، «نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل ۳۲، بهار ۱۳۷۳
- 24- The Dictionary Of Human Geography Edited By R.J.Johnston , Derek Gregory And David M.Smith Blackwell. Great Britain Third Edition 1994 (first pub 1981) P 145
- 25- Bahar.Mertins G.Urbanization in latin America , Applied Geography and development No . 42 , 1993 ,P , 94